



بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حضور زنان کرد در مراکز فرهنگی (نمونه مورد مطالعه: مجتمع فرهنگی هنری فجر شهر سنندج)

نینا فصلانی^۱، سارا سلیمانی^۲، صلاح الدین مولانایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۵، تاریخ تایید: ۹۷/۶/۲۳

چکیده

مناسب بودن فضاهای فرهنگی به عنوان یک فضای عمومی، موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. نیاز به حضور در فضا برای همه گروه‌ها، فارغ از جنسیت، سن، شغل و... امری ضروری است. با توجه به این که زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده و محور خانواده به شمار می‌آیند، لذا باید از نظر روحی و جسمی از سلامت و شادابی برخوردار باشند. زنان، علاوه بر این که خود می‌توانند یک قشر فعال در همه ابعاد باشند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. این مقاله عوامل مؤثر بر حضور زنان کرد در فضاهای فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش پژوهش به صورت پیمایشی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات آن از طریق مطالعات میدانی و با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است و داده‌های حاصل به وسیله نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. جامعه آماری این مقاله را زنان و مردانی (۷۰ درصد جامعه آماری، زنان بوده‌اند) که با مجتمع فرهنگی هنری فجر سنندج در ارتباط هستند، تشکیل می‌دهد. عوامل تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای عمومی و به طور خاص فضاهای فرهنگی، دامنه وسیعی از محدودیت‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در برمی‌گیرند. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار، شاخص احساس نیاز به این گونه مکان‌ها و مردسالاری و دسترسی مناسب به این فضاها برای شهروندان می‌باشند. احساس نیاز به این معنی که مجتمع فرهنگی موجود پاسخگوی نیازهای آن‌ها نمی‌باشد؛ بنابراین رابطه‌ای میان عوامل مؤثر و شرایط و نیازهای زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها توصیه‌هایی برای کاهش تأثیرات این عوامل ارائه می‌شود.

کلمات کلیدی: زنان، سنندج، فضاهای عمومی، فضاهای فرهنگی، مجتمع فجر

۱. مدرس گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان؛ nina.ghaslani@gmail.com

۲. استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، نویسنده مسئول مقاله.

Sarasoleimani.ar@gmail.com

۳. استادیار گروه مهندسی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان؛ s.molanai@uok.ac.ir

با توجه به این که زنان نیمی از وزنه جمعیتی جامعه را به خود اختصاص داده‌اند و کشور ما هم در حال توسعه و ترقی است، بنابراین، پرداختن به مسائل زنان به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز ما می‌باشد. مشارکت و حضور زنان در بخش‌های گوناگون جامعه این ضرورت را بیش از پیش بر ما آشکار می‌سازد. زنان به عنوان بخشی از جامعه، همواره از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ زن در فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و دوران اسلامی، به عنوان بخش مهم جامعه ایران شناخته شده است. زنان همچون دیگر گروه‌های اجتماعی، با تداوم حضور در عرصه‌های عمومی و اجتماعی شهرها، شرایط سرزندگی، نشاط و پایداری هر چه بیشتر این بسترها را فراهم می‌آورند (صادقی، احمدی، غفاری سروستانی و رفیعیان، ۱۳۹۱). عدم توجه به خواست‌ها و نیازهای زنان در طراحی فضاهای عمومی شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر گذارند. در تاریخ، حضور آگاهانه و موقع‌شناسانه زنان در متن جامعه مورد تأمل است؛ زنان کرد از آزادی اجتماعی و سیاسی نسبی برخوردار بوده‌اند و مکرر اتفاق افتاده است که آنان حرف خود را بر کرسی نشانده و نظریه خویش را در امر رهبری تثبیت نموده‌اند. به‌طور کلی هیچ تفاوت حقوقی و امتیاز اجتماعی بین زنان و مردان وجود ندارد، بلکه برتری هریک از این دو بستگی به لیاقت و شایستگی آنان دارد (توحیدی، ۱۳۷۰). در میان بانوان کرد می‌توان به مستوره اردلان، مهین دخت معتمدی و دیگر بانوان هنرمند، شاعر و... اشاره کرد که می‌توانند الگویی برای دیگر بانوان کرد باشند و به این باور برسند که می‌توانند تأثیرگذار باشند. هدف از این پژوهش، ایجاد فضاهای خاص زنان در مقابل مردان نمی‌باشد، بلکه محیطی است که هر کدام از این دو جنسیت بتوانند شخصیت شهروندی خود را شکوفا کنند و به فعالیت‌های دلخواه بپردازند؛ بنابراین با هدف ارتقای کیفیت فضاهای فرهنگی و ایجاد بستری مناسب برای زندگی فعال شهری برای زن و مرد، فارغ از جنسیت به عنوان یک فرد در جامعه، به بررسی شاخص‌های مؤثر بر حضور زنان در فضاهای فرهنگی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

تفکر و تحقیق در خصوص موضوعات مرتبط با امور زنان در ایران چند دهه‌ای است که تلاش‌های صاحب‌نظران، طراحان و فعالان اجتماعی را به سوی خود معطوف کرده است. از این بین می‌توان

به پژوهش نورانی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان "شهر دوستدار زنان" اشاره نمود که این مقاله با هدف شناخت و ارزیابی فضاهای شهری مناسب زنان بر اساس یافته‌ها و نتایج یک بررسی میدانی از مرکز شهر اردبیل تهیه شد است (نورانی، نورانی و پورمحمدی، ۱۳۹۱). در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری، محدودیت‌های زنان را که مشتمل بر محدودیت‌های ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری است و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیر گذارند را مورد بررسی قرار داده‌اند و در انتها توصیه‌هایی برای کاهش محدودیت‌های حضور زنان در فضاهای شهری ارائه شده است. با توجه به نتایج پژوهش، عواملی همچون: تعامل اجتماعی، طراحی و معماری فضا، امکان مشارکت در فضا، اجتماعی پذیری فضا، امنیت و آزادی حرکت، هویت و داشتن خاطره جمعی، راحتی در فضا و وجود مناظر طبیعی، تنوع فضا، امنیت در فضا، استفاده و فعالیت، وجود نظارت اجتماعی و دسترسی و نفوذپذیری فضا بر مطلوبیت فضاهای شهری از دید زنان و بر افزایش حضور آن‌ها در فضای شهری تأثیرگذار می‌دانند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).

مبانی نظری پژوهش

– مراکز فرهنگی به عنوان یک فضای عمومی

به‌طور کلی به لحاظ تاریخی، اهمیت فضاهای عمومی به عنوان یک ساختار شهری و اجتماعی تا آنجایی است که از آن‌ها به عنوان دارایی‌های با ارزش و مهم شهری یاد می‌کنند (Francis, 2011). کانون و مبدأ پیدایش مؤسسات فرهنگی عمومی در اروپا و مربوط به قرن هجدهم می‌باشد و نمونه کلیدی آن موزه لوور است که در طی انقلاب فرانسه در مکان یک کاخ قدیمی برای نمایش قدرت سیاسی مجموعه هنر عالی کلاسیک اروپایی شکل گرفت؛ در دوره‌های بعد یعنی اوایل قرن بیستم، اولین موزه‌های مردمی در آمریکا به نام موزه متروپولیتان و موزه بستن که مربوط به هنرهای عالی بودند، ایجاد شدند. از این زمان بناهای فرهنگی رو به رشد گذاشته که اغلب معماری الهام گرفته کلاسیک لوور را سرمشق طراحی خود قرار داده بودند (SteffensenBruc, 1998). علت رونق ساخت‌وسازهای فرهنگی، سرعت شهرسازی و گسترش سریع شهرنشینی بود که توجه و تمرکز مقامات و حامیان توانگر دولتمند و نیز بازدیدکنندگان را به سرمایه‌گذاری بر روی چنین پروژه‌هایی به‌منظور نمایش قدرت سیاسی معطوف می‌کند. همچنین احساس نیاز به آموزش توده‌های مختلف مردم و ارتقاء سطح فرهنگی جامعه، از دیگر دلایل رشد این مراکز در آن زمان

بود. نهادهای فرهنگی در نهایت فضایی اجتماعی را ارائه می‌کردند که به ترویج هنرهای برتر اختصاص داده شده بود و این امر تمایزات و اختلافات طبقاتی را تقویت می‌کرد (Bennett, 1995). به دنبال اهمیت ایجاد فضاهای عمومی مناسب و مردمی با ساختارهایی جدید در سطح شهر، امروزه شاهد هستیم که شهرها و توسعه‌دهندگان آن به مراتب بیشتر از قبل بر روی مسائلی چون اقتصاد و فرهنگ، اجتماع و فرهنگ و نیز تفریح برای دستیابی به سطح متعادلی از اهداف سه‌گانه پایداری تمرکز می‌کنند. برای این منظور مفاهیم جدیدتری از مؤسسات فرهنگی را جستجوی می‌کنند که ضمن معرفی اوضاع فرهنگی و هنری‌شان به جهان، جرقه‌ای برای تجدید حیات اقتصادی، اجتماعی محله و شهرشان نیز باشند. سیاست‌های جدید مسئولان و مقامات دولتی بر این اصل استوار است که مراکز فرهنگی در دست ساخت، در یک ساختار نمادین و با عنوان مؤسسات فرهنگی عمومی، در قالب فضایی عمومی با کاربری چندمنظوره، فراگیر شوند (Grodach, 2011). رابرت موسز به‌صراحت از مجموعه فرهنگی به عنوان کاتالیزوری برای بالا بردن درک و تصور مردم از ارزش‌ها در راستای اهداف فرهنگی یاد می‌کند و برای اولین بار نشان می‌دهد که یک پتانسیل فرهنگی با تکیه بر مباحث فوق و با تغییر ماهیت یک مکان، می‌تواند در جهت اهداف اقتصادی و تولید ثروت عمل کند و با افزایش تعاملات اجتماعی به مقاصد پایداری اجتماعی نیز دست یابد. همچنان گوریان اظهار می‌کند، نهادهای فرهنگی با نگرش‌های جدید در حقیقت فضایی برای تعاملات اجتماعی و اختلاط فرهنگ‌ها و فعالیت‌ها ارائه می‌کنند (Gurian, 2006).

زنان و فضای عمومی شهرها

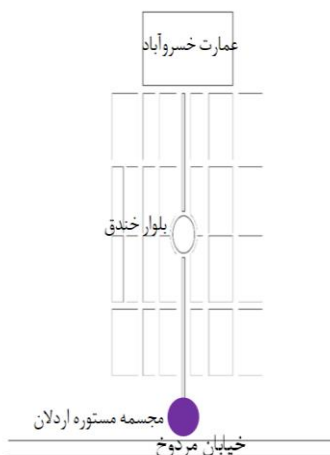
فضاهای عمومی شهری مکان‌هایی متعلق به عموم شهروندانند و باید دارای ویژگی‌های دموکراتیک بودن، در دسترس بودن برای همه گروه‌ها و آزادی عمل نسبی باشند (پرتویی، ۱۳۹۱: ۱۶). با این حال فضاهای عمومی جنسیتی‌اند (غنام، ۱۳۹۲: ۳۹). در فضاهای شهری مردان آزادی بیشتری در رفت‌وآمد و دسترسی به فضاهای عمومی دارند و زنان به دلایلی از جمله نحوه پوشش، فیزیولوژی و سایر ویژگی‌های زنانه محدودیت بیشتری دارند و فعالیتشان در فضاهای شهری محدود به زمان‌های خاصی است. اهمیت فضاهای عمومی در زندگی ساکنان یک شهر از آن جهت است که استفاده از این فضاها، بخش مهمی از تجربه زندگی آنان در شهر را تشکیل می‌دهد (بزی و رضایی، ۱۳۹۱: ۲۴). یکی از عواملی که باعث ناهمگونی و نابرابری عرصه‌های عمومی می‌شود،

جنسیت است. جنسیت نوعی ساختار اجتماعی است و به استنباط جامعه به رفتار، ویژگی‌ها و نقش‌های مناسب برای مردان و زنان مربوط می‌شود. زنان غالباً در حوزه خصوصی خانواده قرار می‌گیرند و مراقبت‌های عاطفی و انجام امور خانگی را بر عهده دارند. درحالی‌که مردان در حوزه عمومی کار، سیاست و فراغت هستند و تحت حمایت حوزه خصوصی قرار می‌گیرند و زنان به آن‌ها خدمت می‌کنند (رفعت جاه، ۱۳۸۵: ۶۷). این تفکر در عرصه‌های عمومی شهری به اولویت‌بخشی به مردان و تدارک فضاهایی برای آن‌ها منجر می‌شود. چون زن ضعیف، آسیب‌پذیر و متکی به مرد بازنمایی می‌شود و در زمینه حضور در عرصه‌های عمومی محدودیت می‌یابد (صادقی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۵). این در حالی است که زنان همچون دیگر گروه‌های اجتماعی، با تداوم حضور در عرصه‌های عمومی و اجتماعی شهرها، شرایط سرزندگی، نشاط و پایداری هر چه بیشتر فضاهای عمومی را فراهم می‌آورند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های طراحان امروز در خلق و ارتقا کیفیت عرصه‌های عمومی، رسیدن به نوعی از فضاهای جمعی است که بتواند تعادلی پایدار میان حضور اقشار مختلف اجتماعی و مشارکت و فعالیت آن‌ها در عرصه‌های عمومی شهری برقرار نماید (سیفایی، ۱۳۸۴: ۴۸).

زنان کرد در طول تاریخ

در زبان کوردی برای زن از واژه ئافرت که به معنی آفریننده است، استفاده می‌کنند. چادر در میان زنان کرد متداول نیست و زن کرد اگرچه در نحوه رفتار و برخورد خود با شرم و آزرمت است، از مرد بیگانه رو نمی‌گیرد و در روبرو شدن با او آسیمه‌سر نمی‌نماید. در میان تمام طبقات مردم کرد، زنان از احترام شایسته‌ای برخوردارند و به سخنانشان گوش فرا می‌دهند. زنان کرد در پاره‌ای موارد قبیله خود را با موفقیت رهبری کرده و رضایت خاطر اتباع خود را به کمال تأمین کرده‌اند. حتی یک‌بار هنگام انتخابات مجلس، با اینکه طبق قانون نامزدی نمایندگی تنها مخصوص به مردان بود، زنان محل خانمی را به نمایندگی خویش برگزیدند (عادله خانم حلچیه) (کینان، ۱۳۷۶: ۵۲). درستی و پاکدامنی تزلزل‌ناپذیر، وفاداری به قولی که بدهد، محبت خالصانه نسبت به خانواده و اقوام نزدیک، رفتاری انسانی با زن و . . . از خصوصیات بارز مردم کرد است (قاضی، ۱۳۶۳). زنان نامدار کرد برای ملت کرد و برای کشور ایران عزیز مایه افتخار بوده و زن کرد به عنوان پادشاه مسلمین سال‌ها در مصر حکومت نمود. زن در میان کردان جایگاه و شخصیت بی‌چون‌وچرا دارد. بی‌جهت نیست که اگر زن به سبب

هوش و فراست یا حسن و ملاحظت شهره باشد. مردم کرد هیچ‌گاه به فکر ایجاد محدودیت و قیدوبند برای زن نبوده و همیشه او را شایسته همان اعتماد و همان صوق و مسئولیت‌هایی دانسته که برای مرد قائل بوده است؛ از قضاوت دیگران و نیز مشاهدات نزدیک می‌توان پی به این نکته برد که زنان کرد هرگاه زمینه‌ای یافته‌اند، توانسته‌اند مهارت و استعداد خود را در انجام کارهای بزرگ و نیکو نشان دهند و الگوی جالبی برای دیگران باشند. مایه تأسف خواهد بود اگر امروز زنان کرد به سنت و فرهنگ دینی و ملی خود پشت پا زده و دنباله‌رو ارزش‌های غربی باشند و نتوانند شخصیت اصیل خود را متبلور سازند. زنان کرد از قدیم‌الایام در اغلب امور سررشته داشته‌اند و حتی گاهی در جنگ و ستیز هم شرکت می‌کرده‌اند؛ یعنی تنها در میدان علم و فرهنگ و کارهای منزل نبوده که توان و استعداد خود را نشان داده‌اند، بلکه در جبهه جهاد و جنگ نیز رزمنده‌ای بی‌نظیر بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به قره فاطمه اشاره کرد که در قرن سیزدهم هجری می‌زیسته است و می‌توان حضور او در جنگ‌های روس و عثمانی نام برد (محمدالجباری، ۱۳۸۲: ۸۶). ارزش بانوان در میان مردم کرد به‌گونه‌ای است که شهر سنندج تنها شهری است که مجسمه یک بانوی شاعر کرد (مستوره اردلان - نخستین بانوی تاریخ‌نگار جهان) در شهر برپا شده است (تصویر ۱). این مهم می‌تواند عاملی بر حضور هرچه بیشتر و مفیدتر و تأثیرگذارتر بانوان کرد در تمام امور باشد.



تصویر ۱- مجسمه مستوره اردلان و محدوده قرارگیری در شهر سنندج

-عوامل مؤثر بر فعالیت زنان در ارتباط با فضای شهری

کریستن دی مواردی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیرگذار هستند، ارائه داده است:

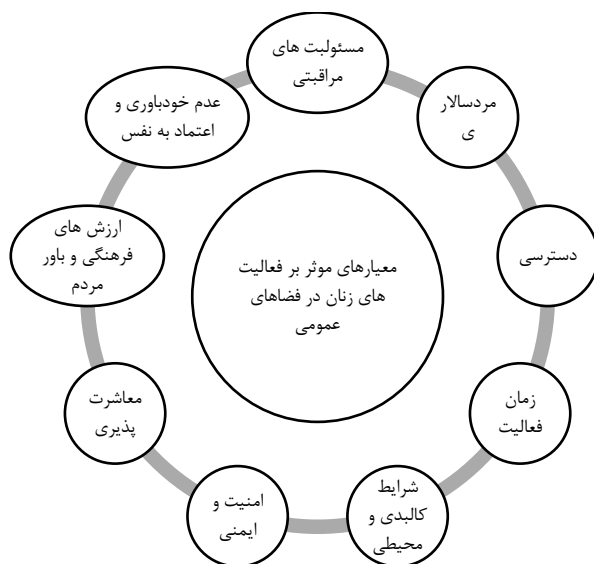
هنجارهای جنسیتی تأثیرگذار بر رفتارهای عمومی زنان، نیازمند آن است تا زنان با دیگران در فضاهای عمومی دوستانه برخورد نمایند که این موضوع محدودیت‌هایی را برایشان ایجاد می‌کند. ایده آرمانی زنان مبنی بر ارجح شمردن دیگران، منجر می‌شود زنان نیازها و ترجیحات دیگران را در فضای عمومی متقدم شمارند. تفکیک فعالیت‌ها، مسؤولیت‌های خانگی زنان را افزایش داده و منجر به محدود شدن استفاده زنان از فضای عمومی می‌شود (دی، ۲۰۰۰). زنان بخش بزرگی از استفاده‌کنندگان فضای شهری هستند که در رابطه با فضای شهری نیازهای خاص خود را دارند. شناسایی نیازهای زنان در فضای شهری گام مهمی در جهت حضورپذیری این قشر در فضاهای شهری است. رنه شورت معتقد است که اکثر تئوری‌های شهری پیشین بر فعالیت‌های مردان برای مسامحه در فعالیت زنان (که ناشی از تبعیض مردانه ناظران می‌باشد) متمرکز شده است. به طور علمی، زنان تحت حمایتند (Rennie Short 2006: 126). از دیدگاه برخی نویسندگان، به دلیل تفکر غالب مردسالارانه، با وجود گسترش فعالیت‌های اقتصادی و شرکت همه‌جانبه زنان در امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی (علاوه بر نقش قبلی آن‌ها) نیازمند حضور فعالانه آن‌ها در شهر و فضاهای عمومی شهری است، هیچ‌گونه تلاشی مبنی بر ایجاد و خلق فضاهای شهری مطلوب آنان در جامعه و یا مناسب‌سازی فضاهای موجود، صورت نپذیرفته است و تمامی مطالعات در حد تعیین و بررسی میزان امنیت زنان در شهر بوده است (سیفایی، ۱۳۸۵). زنان به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی خاص خود نسبت به مردان احساس امنیت کمتری دارند. حس امنیت زنان تنها یک مقوله مربوط به زنان نیست. احساس امنیت در زنان می‌تواند در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و مشارکتی بهتر را در صحنه اجتماعی به وجود آورد (رضایی، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۰). نگرش مردسالارانه موجود در جامعه در ابعاد مختلفی تأثیرگذار است. از جمله قائل نبودن حقوق برابر برای زنان و مردان، عدم پذیرش زنان در نقش‌های جدید در جامعه، داشتن باورهای کلیشه‌ای در خصوص زنان مانند داشتن نگاه احساسی و یا ضعف در تصمیم‌گیری و یا کمبود دانش و غیره، عدم استفاده از نظر زنان در تصمیم‌گیری‌ها در بسیاری از محیط‌های کاری و یا حتی خانواده‌ها (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۲۲۱). فرهنگ مردسالاری فرصت و امکان فعالیت و ورود به عرصه فرهنگی- اجتماعی

را با ایجاد موانعی از قبیل ناتوانمند و ضعیف بودن، اهمیت نداشتن این نوع فعالیت‌ها برای زنان، لزوم کسب اجازه از مردان برای خارج شدن از خانه، ناپسند دانستن اختلاط زنان با مردان در اجتماع، جلوگیری از پیشرفت فرهنگی-اجتماعی آن‌ها به خاطر نگرانی از اطاعت نکردن از مردان و ... مهیا نمی‌سازد، یا اگر مهیا سازد شرایط ورود به آن سخت خواهد بود. به‌طور کلی حاکمیت نگاه مردسالارانه، تفکر غالب به توانایی مرد در برابر زن، تصویری که زنان به لحاظ مسئولیت‌های خانوادگی و خانه‌داری دارند و همچنین عدم خودباوری زنان باعث کم‌رنگ شدن حضور آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده است (صداقتی‌فرد و ارجمند، ۱۳۸۹). به علت ترس از خشونت و تعرض، زنان کمتر تمایل دارند که بعد از تاریکی در شهر حضور یابند. به همین دلیل آن‌ها در ساعات خاصی از روز، در مکان‌های خاص و از حمل‌ونقل خاص استفاده می‌کنند. پیاده‌روهای خلوت یا روشنایی اندک و پارکینگ‌های طبقاتی مشکلات خاصی را برای زنان در حرکت ایجاد می‌کنند. برای بسیاری از زنان، شهر مکانی نامیمون و بدشگون، سرشار از تهدیدات خشونت و یا ترس می‌باشد. بنابراین ترس و احساس ناامنی از فاکتورهای مهم در الگوی حرکتی زنان می‌باشد (فرزانه، ۱۳۸۶). عامل زمان فعالیت و مکان انجام آن نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به طوری که با احساس امنیت مرتبط بوده و به‌خصوص برای زنان در انتخاب و انجام فعالیت تأثیر مستقیم می‌گذارد. فضاهای شهری به تبع فعالیت‌های روزانه مردم، معانی مختلف و چندگانه‌ای را درون خود در برمی‌گیرد. موفقیت و یا شکست طرح‌های شهری در ایجاد و یا تغییر وضع فضای عمومی، بایستی با اندازه‌گیری تعداد زنان و مردان استفاده‌کننده (میزان حضور و جمعیت‌پذیری) و تنوع ویژگی‌های افرادی که از این فضاها استفاده می‌کنند، درست به همان خوبی تنوع روابط و فعالیت‌های انجام گرفته در فضاها ارزیابی و بررسی شود. اگر فضاهای عمومی به نتایج رضایت‌بخشی در هر سه زمینه منجر شدند، آنگاه می‌توان ادعا کرد که این فضاها توانسته‌اند نقش عمده‌ای را در افزایش و بهبود روابط اجتماعی و کاهش محرومیت‌های ناشی از طبقه اجتماعی، نژادی، جنسی و سنی ایفا کنند (Garcia-Ramon, Ortiz, & Prats (2004: 216). بدون امکان دسترسی مناسب، امکان استفاده از فضا کم می‌شود و احساس تعلق به آن نیز رقیق می‌گردد. جداسازی جنسیت در ساختارهای قراردادی فضای شهری در توانایی‌های مختلف و حقوق حرکت در میان فضا و همین‌طور در زمان‌بندی آن به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که فضا تسهیم شده اما در زمان‌های مختلف، هراس عظیم زنان از فضای شهری، آنان را در استفاده از فضا در زمان محدود می‌کند. فضای

شهری ساختار اجتماعی معطوف به جنسیت را مجسم می‌کند و محتوی تجربه‌های جنسیت‌گرا از شهر است. این تجربه برای طراحان شهری می‌تواند روشنگر و فوق‌العاده باشد که زندگی روزانه یک فضای عمومی را دیده و یا یک فضای مشخص را در طول فصول مختلف مشاهده کنند؛ که خود یک انسان‌شناسی اجتماعی و شناخت آن فضا است. به طور مثال، تغییر ریتم و ضربان آن، زمانی شلوغ و زمانی ساکت، استفاده افراد مختلف از فضا، در زمانی بیشتر زنان و در بقیه زمان‌ها مردان به چشم می‌خورند. چرخه فعالیت‌ها نیز اساساً بسته به فصول تغییر می‌کند (Carmona, Heath, Oc&Tiesdell, 2003). زنان همیشه برای حضور در فضاهای شهری محدودیت‌هایی داشتند که این محدودیت‌ها ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. زنان همان‌گونه که باید در حوزه‌های خصوصی فعالیت کنند، باید بتوانند در حیطه فعالیت‌های عمومی نیز وارد شوند (Larrere, 2011). عوامل محدودکننده‌ای مانند خطر و ترس، از مهم‌ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری بوده و استفاده آنان را محدود می‌نماید از مهم‌ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری بوده و استفاده آنان را محدود می‌نماید. در نتیجه، زنان به واسطه وجود چنین مشکلاتی، دسترسی خود به فضای عمومی را محدود می‌کنند (Rush, 2012: 9). پاول معتقد است که زنان و مردان، فضا را به طور مشترک و عام و فضای عمومی را به طور خاص و متفاوت تجربه می‌کنند. وی این امر را تا حدودی ناشی از دلایل زیر می‌داند: ادراک و شناخت متفاوتشان از محیط که اساساً بر پایه هنجارهای اجتماعی- فرهنگی درگیر با آن، استوار است و اینکه آن‌ها در معرض دیدگاه‌های متفاوتی از مشروعیت‌های اجتماعی قرار دارند. اتفاقات به‌ظاهر پیش‌یافتاده و بی‌اهمیت روزانه مربوط به ساختارهای قدرت است که زنان را محدود می‌کند؛ بنابراین، فضا چیزی ورای ظرف بازی است که شامل اشیاء و مواد می‌شود. اثرات بجای مانده از معادلات قدرت نابرابر، در سازمان‌دهی فضایی زندگی روزانه نهفته است (Paul, 2011). گرچه استفاده از فضا عموماً به صورت امری فردی و شخصی تلقی می‌شود و در چارچوب ایدئولوژی قوی از فردیت، فعالیت‌های افراد در سطح فضای عمومی ناشی از انتخاب آزادانه آن‌ها تلقی می‌گردد، ولی واقعیت این است که استفاده از فضا، محصول روابط قدرت اجتماعی است (Rush, 2012: 9).

جدول ۱- معیارهای مؤثر بر فعالیت‌های زنان در فضای عمومی بر اساس پژوهش‌های انجام شده پیشین

ردیف	معیارهای مورد نظر در رابطه با فعالیت زنان	صاحب‌نظران										
		وانسین	گرستین دی	فرانکی و پاکسون	کار و همکاران	ورنل	کرمونا	جهانشاه پاکزاد	نعمت‌الله اکبری	رفعات جاه	صالحی امیری	صداقتی کرد و ارجمند
۱	شرایط کالبدی و محیطی											
۲	امنیت ایمنی											
۳	معاشرت پذیری											
۴	زمان فعالیت											
۵	دسترسی											
۶	مردسالاری											
۷	مسئولیت‌های مراقبتی											
۸	عدم خودباوری و اعتمادبه‌نفس											
۹	ارزش‌های فرهنگی و باور مردم											



دیاگرام ۱- مدل نظری پژوهش

فرضیه پژوهش

به دلیل اکتشافی بودن موضوع پژوهش، هدف این مطالعه آزمون فرضیه نیست. همچنین هرگونه ساختاریافتگی ذهنی باعث ایجاد افق معنایی در محقق شده و این امر موجب تلفیق افق معنایی محقق با کاربران شده و باعث تأثیرگذاری بر نتایج پژوهش می‌شده است. از این رو پژوهشگر بدون فرضیه وارد میدان تحقیق شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی در بستری پیمایشی است. ابزار اصلی این تحقیق جهت جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است؛ که بدین منظور در ابتدا با مرور ادبیات مرتبط با فضاهای عمومی ویژه زنان و عوامل مؤثر بر حضور هرچه بیشتر این قشر، با استفاده از تحقیقات صورت گرفته، شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار استخراج گردید و در پرسشنامه، سؤالاتی با توجه به اهداف، برای سنجش مشخصه‌ها مطرح شد و از پاسخ‌دهنده‌ها (۷۰٪ زنان و ۳۰٪ مردان) خواسته شد به آن‌ها پاسخ گویند. نمونه مورد مطالعه، مجتمع فرهنگی هنری فجر شهر سنجند و جامعه آماری پژوهش ۸۰ نفر از زنان و مردانی که با این مرکز در ارتباط بودند، می‌باشد. اطلاعاتی

که از اجرای پرسشنامه‌ها به دست آمد، جمع‌آوری، کدگذاری و وارد رایانه شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

معرفی نمونه مطالعاتی

مجتمع فرهنگی هنری فجر در جنوب شرقی شهر سنندج و ابتدای بلوار گریاشان واقع است؛ کلنگ ساخت مجتمع فرهنگی هنری فجر در سال ۱۳۷۱ زده و بعد از ۱۰ سال یعنی در سال ۱۳۸۱ افتتاح شد. این مجموعه محل برگزاری بسیاری از کنسرت‌ها و تئاترها و... می‌باشد و همچنین دفتر انجمن‌های هنری مختلف در این مکان هستند. در سال جاری نیز هنرستان هنرهای زیبا در بخشی از این مجموعه شروع به فعالیت کرده است. مجتمع فجر دارای ۳ طبقه که شامل طبقه زیرزمین طبقه همکف و طبقه اول می‌باشد که هر طبقه نیز دارای سه بخش است.



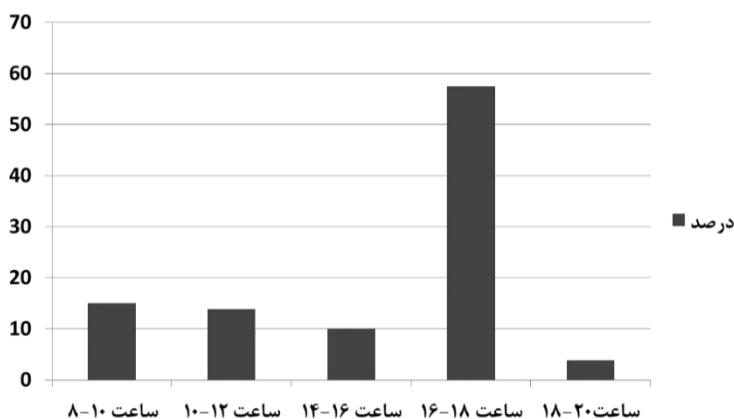
تصویر ۲- محدوده نمونه مورد مطالعه در شهر سنندج

یافته‌های تحقیق و تحلیل شاخص‌های به دست آمده

در این تحقیق مجموعاً ۸۰ نفر مورد بررسی قرار گرفته‌اند که ۷۰ درصد آنان خانم و ۳۰ درصد نیز آقا بوده‌اند؛ بنابراین عمده پرسش‌ها بر مبنای دیدگاه خانم‌ها بوده است؛ ۹ نفر آن‌ها کمتر از ۲۰ سال، ۴۹ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۰ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۷ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۵ نفر بالاتر از ۵۰ سال داشتند. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشد. برای بررسی تأثیر زمان فعالیت بر حضور بانوان در

فضاهای فرهنگی، در یکی از پرسش‌های پرسش‌نامه بازه‌های زمانی قرار داده شد و بررسی پاسخ‌های آن‌ها نشان می‌دهد که عمده پاسخ‌دهندگان زمان مناسب فعالیت بانوان در مجموعه‌های فرهنگی را در ساعت ۱۶-۱۸ می‌دانند؛ بنابراین برنامه‌ریزی فعالیت‌های جمعی می‌تواند در این ساعت مناسب باشد.

زمان فعالیت



نمودار ۱- توزیع جمعیت نمونه بر اساس زمان فعالیت

با استفاده از رگرسیون چند متغیر، محقق می‌تواند رابطه خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را به شیوه‌ای مطالعه نماید که در آن، روابط موجود فی‌مابین متغیرهای مستقل نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. یکی از جداولی خروجی آزمون رگرسیون چند متغیر، جدول خلاصه مدل می‌باشد که این جدول به بررسی ضریب همبستگی بین متغیرها و ضریب تعیین تعدیل شده می‌پردازد.

جدول ۲- خلاصه مدل

مدل	ضریب همبستگی	آر اسکور	تعدیل شده آر اسکور	انحراف معیار
۱	۸۲۸ .۰	۶۸۵ .۰	۶۷۷ .۰	۶۸۹ .۰

نتایج حاصله از جدول بالا حاکی از این می‌باشد که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۸۲۸ .۰ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

تحقیق همبستگی بسیار قوی وجود دارد و از سوی مقدار ضریب تعدیل شده (R Square) برابر است با ۰.۶۸۵ درصد که نشان‌دهنده این می‌باشد که ۶۸/۵ درصد از کل تغییرات شاخص حضور بانوان در فضاهای فرهنگی به متغیرها وابسته می‌باشد.

جدول ۳- ضرایب

ضرایب						
مدل	تای	ضرایب استاندارد		ضرایب استاندارد شده	سطح معناداری	
		بی	انحراف معیار	بتا		
ثابت	۳۰۱.۱	۲۶۵.۰	۲۰۴.۰		۰.۹۵.۰	
۱ احساس نیاز	۱۰۹.۷	۴۵۵.۰	۰۶۴.۰	۴۶۴.۰	۰.۰۰.۰	
۲ ارزش‌های فرهنگی	۲۰۷.۲	۱۱۴.۰	۰۵۲.۰	۲۱۷.۰	۰.۲۹.۰	
۳ مردم‌سالاری	۲۰۴.۲	۱۹۴.۰	۰۸۸.۰	۳۷۴.۰	۰.۱۹.۰	
۴ زمان فعالیت	۸۳۶.۲	۱۹۸.۰	۰۷۰.۰	۲۲۷.۰	۰.۰۵.۰	
۵ دسترسی	۵۰۶.۱	۰۴۷.۰	۰۳۱.۰	۳۸۵.۰	۰.۱۳.۰	
۶ امنیت و آسایش	۲۰۰.۳	۲۵۹.۰	۰۸۱.۰	۲۸۲.۰	۰.۰۲.۰	
۷ فضاهای کالبدی و محیطی	۷۷۰.۳	۰۵۳.۰	۰۱۴.۰	۱۴۰.۰	۰.۰۰.۰	
۸ مسئولیت مراقبتی	۲۴۴.۱	۲۸۰.۰	۰۵۳.۰	۱۹۷.۰	۰.۲۱۵.۰	
۹ عدم خودباوری	۲۰۷.۲	۱۱۴.۰	۰۵۲.۰	۱۱۷.۰	۰.۲۹.۰	
۱۰ معاشرت پذیری	۹۳۷.۲	۲۸۰.۰	۰۹۵.۰	۲۴۴.۰	۰.۰۴.۰	

در جدول بالا در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ باشد ($p < 0.05$)، نشانگر وجود رابطه بین متغیرهاست. عدد بتا نیز نوع و شدت رابطه را مشخص می‌کند. یافته‌های جدول بالا حاکی از این است که بر اساس ستون سیگما (سطح معناداری) تمامی متغیرهای ستون مدل، دارای ارتباط معنادار با شاخص حضور بانوان کرد در فضاهای فرهنگی می‌باشند، عدد بتا نیز نوع و شدت این رابطه را نشان می‌دهد (منفی رابطه معکوس، مثبت رابطه مستقیم). بنابراین نیاز به ارتقا کیفیت هر ده عامل در راستای شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار (فرهنگی، اجتماعی و کالبدی) بر حضور بانوان در فضاهای فرهنگی دیده می‌شود. مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار شاخص احساس نیاز به این‌گونه مکان‌ها برای شهروندان خانم و ارتقا مردم‌سالاری و دسترسی مناسب به این فضاها برای شهروندان می‌باشد. (احساس نیاز به این معنی که مجتمع فرهنگی موجود پاسخگوی نیازهای آن‌ها نمی‌باشد). به منظور سنجش آرای افراد و رتبه‌بندی میزان هر یک از شاخص‌ها، از

آزمون فریدمن استفاده شده است. این آزمون زمانی به کار می‌رود که مقیاس اندازه‌گیری حداقل در سطح سنجش ترتیبی باشد. آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دوطرفه (برای داده‌های ناپارامتری) از طریق رتبه‌بندی و همچنین مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف به کار می‌رود (حبیب پور، صفری، ۱۳۹۱:۶۹۴). در تفسیر نتایج آزمون فریدمن، برای اینکه پی ببریم آیا تفاوت میانگین آرای افراد از شاخص‌ها معنی‌دار است یا خیر، باید از نتایج جدول دوم (با عنوان آمار تست) استفاده کنیم: در این جدول، با استناد به مقدار آزمون کا-اسکور (۰.۹۸.۲۷۰) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰.۰۱ معنی‌دار است، باید گفت که به لحاظ آماری میزان اهمیت و نقش هریک از شاخص اصلی معنادار بوده است. (سطح معناداری: ۰.۰۰۰). آزمون فریدمن علاوه بر معنی‌داری تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه شاخص‌ها از دیدگاه افراد پاسخگو، به اولویت‌بندی ابعاد از دیدگاه افراد بین این شاخص‌ها می‌پردازد. به عبارتی، این آزمون نشان می‌دهد که میزان رتبه در کدام شاخص بیشتر و در کدام یک کمتر است.

بررسی نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که از دیدگاه افراد و شهروندان پاسخگو، احساس نیاز به فضایی فرهنگی مناسب و پاسخگو به نیازهای بانوان، بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است. معیار عدم خودباوری، نیز پایین‌ترین اولویت را در ارزیابی شهروندان به خود اختصاص داده است.

جدول ۴- آزمون فریدمن، رتبه‌بندی معیارها

مؤلفه	میانگین رتبه
احساس نیاز	۳۹.۷
مردسالاری	۸۶.۶
معاشرت‌پذیری	۱۸.۶
دسترسی	۱۸.۶
زمان فعالیت	۸۲.۵
امنیت و آسایش	۵۸.۵
ارزش‌های فرهنگی	۷۸.۴
مسئولیت‌مراقبتی	۸۸.۳
عدم خودباوری	۴۱.۳

به دلیل حاکمیت نگرش‌های مردسالارانه بر حوزه‌های مدیریتی و برخی مشخصه‌های خاص فرهنگی، به نقش و کارآمدی زنان نه‌تنها در مدیریت و برنامه‌ریزی کلان، حتی در موضوعات مرتبط با زنان چندان اهمیتی نشده است؛ حتی در طراحی فضاهای عمومی خاص زنان نیز حضور خود زنان بسیار کم‌رنگ است. تنوع خواست‌ها و نیازها و گسترده شدن فعالیت‌های بانوان از فعالیت‌های صرفاً خانه‌داری و مراقبتی به فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی، باعث ضرورت ایجاد و اختصاص فضای کافی و مناسب برای بروز فعالیت‌های این قشر می‌شود. در نگرش مردسالارانه، زنان تنها متعلق به فضای خصوصی خانه‌ها هستند و بر اساس همین نگرش‌ها نیز فضاهای عمومی را بدون توجه به نیازهای زنان شکل داده‌اند که این فضاها برای برخی از زنان، ناامن و استرس‌زا بوده و زمان بسیار کمی را در این فضاها به‌تنهایی سپری می‌کنند. با توجه به حضور رو به افزایش زنان در فضاهای عمومی و گسترش فعالیت‌های آن‌ها در سال‌های اخیر و همچنین رشد آگاهی زنان نسبت به توانایی‌های خود، وجود نگرش‌های سنتی مردسالارانه به‌خصوص در شهرهای کوچکی مانند شهر سنندج، باعث ایجاد تضاد می‌شود. ریشه‌های این تفکر باید بررسی شود و نمی‌توان آن را به تاریخ و فرهنگ نسبت داد، زیرا همان‌طور که از کتب مختلف تاریخی برمی‌آید در گذشته مردم کرد برای زنان احترام زیادی قائل بودند و زنان در کنار مردان به انجام امور مختلف می‌پرداختند.

موضوع معاشرت‌پذیری مورد دیگری است که به‌ضرورت آن توسط خود پاسخ‌دهنده‌ها اشاره شده است؛ در مجتمع فجر سنندج فضاهای مناسبی برای دورهم جمع شدن بانوان و مکانی مناسب برای تبادل افکار آن‌ها بسیار کم است و بانوان خواهان فضاهایی هستند که به‌راحتی به بحث و گفتگو بپردازند و بعضی از آن‌ها به فضاهایی باز با حریمیت کافی برای این امر اشاره کردند؛ لذا این موضوع در طراحی فضاهای فرهنگی آینده باید مورد توجه طراحان قرار گیرد.

زمان فعالیت در بیرون خانه برای تمام زنان موضوع مهمی است که برخی از پاسخ‌دهنده‌ها آن را به مسئولیت‌های مراقبتی و برخی به مسائل مالی و تعدادی نیز به ساعات تاریکی مرتبط می‌دانستند؛ در رابطه با مسئولیت‌های مراقبتی بانوان می‌توان به عنوان راهکار در فضاهای فرهنگی، فضایی را به مراقبت و بازی کودکان اختصاص داد که مادران ضمن رسیدن به فعالیت‌های خود، کنترل کافی بر کودکان نیز داشته باشند. مسائل مالی که بسیاری از امور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با راه‌حل‌های مدیریتی قابل‌حل است، یکی از این موارد اقتصاد هنری

است به این صورت که آثار فرهنگی هنری بانوان در همان فضای فرهنگی به فروش برسد. در رابطه با ساعات تاریکی، با طراحی مناسب فضاها و بحث نورپردازی در شب و دسترسی‌های ایمن می‌توان تا حدودی به حل این مسئله نیز پرداخت و ساعات حضور بانوان در این فضاها را افزایش داد.

خودباوری اصل مهمی است و با وجود کم‌اهمیت بودن آن از دیدگاه پاسخ‌دهنده‌ها، باید مورد توجه قرار گیرد و آموزش‌هایی برای آگاهی زنان نسبت به نیازها و توانایی‌های خود انجام گیرد که در فضاهای فرهنگی تنها شاهد حضور قشر خاصی از بانوان نباشیم، زیرا طبق اطلاعات دریافتی از پرسشنامه‌ها بیشترین درصد افرادی که به مجتمع فجر مراجعه می‌کردند افراد ۲۰ تا ۳۰ ساله و دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن شاخص‌هایی که به‌نوعی معرف دلایل حضور یا عدم حضور زنان در فضاهای عمومی بوده‌اند، این نتیجه را در بردارد که در طراحی مراکز فرهنگی برای دستیابی به محیط‌های انسانی‌تر باید به حضور زنان به عنوان بخشی از گروه‌های خاص اجتماعی در فضاهای عمومی توجه داشت تا بازتولید فرهنگ شهری حاصل شود و هر چه فضاهای فرهنگی از کیفیت و مطلوبیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت‌های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره که پیش‌تر اشاره شد، فراهم شده و فضاهای مذکور در نتیجه فعالیت‌های فوق‌ضمن تبدیل شدن به مکان، واجد ویژگی سرزندگی می‌شوند. زنان، علاوه بر این‌که خود یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. با توجه به ضرورت حضور و مشارکت حقیقی زنان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌ها، برای تحقق رشد و بالندگی جامعه و نیز تسریع فرآیند توسعه و محقق شدن عدالت اجتماعی، چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت. زنان برای انجام فعالیت‌های اجباری در فضای شهری حضور می‌یابند که باید فضاهای شهری این امکان را برای زنان فراهم آورند که به واسطه فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی در فضای شهری قرار گیرند. در نتیجه باید در کنار معیارهای مطلوبیت محیطی و طراحی فضاهای پاسخگو به زنان و کاهش محدودیت‌های مؤثر بر حضور آن‌ها در فضاهای عمومی، لازم است به

هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیرگذارند مورد توجه قرار گیرد. در زمینه فضاهای عمومی دسترسی به فضا، امنیت و ایمنی فضاها، فضاهای شلوغ و اختلاط کاربری‌ها، حضور دیگران در فضا و تأمین نیازهای خدماتی زنان، نیازهای عمومی زنان در فضاهای عمومی شهری‌اند. بدین ترتیب عواملی مانند: تعامل اجتماعی، طراحی و معماری فضا، امکان مشارکت در فضا، معاشرت‌پذیری فضا، امنیت و آزادی حرکت، داشتن خاطره جمعی، راحتی در فضا، وجود مناظر طبیعی، تنوع فضا، امنیت در فضا، استفاده و فعالیت، وجود نظارت اجتماعی و دسترسی و نفوذپذیری فضا بر مطلوبیت فضاهای شهری از دید زنان و بر افزایش حضور آنها در فضای شهری تأثیرگذار هستند.

منابع

- احمدی، محمد، کلدی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، ۱-۱۹.
- ایزدی، ملیحه، محمدی، جمال، طاهری، زهرا و شیرخانی، حسنیه. (۱۳۹۴). واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان، جغرافیا و توسعه، ۱۲۷-۱۴۴.
- تابانی، حبیب‌الله. (۱۳۳۱). وحدت قومی کرد و ماد منشا نژاد تاریخ تمدن کردستان، نشر گسترده.
- توحیدی، کلیم‌الله. (۱۳۷۰). حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران، ۶ جلد، نشر واسع، مشهد، جلد اول.
- پرتویی، پروین. (۱۳۹۱). کارگروه زنان و فضاهای عمومی شهری، نخستین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری، تهران.
- پورمحمدی، محمدرضا، خضرنژاد، پخشان، احمدی، پولاد و جهان‌بین، رضا. (۱۳۹۴). بررسی میزان انطباق فضاهای عمومی شهری با نیازهای زنان شهر ارومیه. زن در توسعه و سیاست، ۲۳-۴۰.
- حاجی احمدی همدانی، آذین، ماجدی، حمید و جهان‌شاه لو، اعلا. (۱۳۹۴). بررسی معیارهای تأثیرگذار برافزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۹). فضای شهری، بستر تعامل اجتماعی، فصلنامه معماری فرهنگ، شماره ۲۴.
- حبیب، فرح و حسینی نیا، مهدیه. (۱۳۹۱). تحلیلی بر مفهوم فرهنگ شهری و تأثیر آن بر جذب گردشگر فرهنگی. هویت شهر، ۵-۱۶.
- حسینی، هادی، سمیعی پور، داوود. (۱۳۹۴). تحلیل تطبیقی رضایت‌مندی زنان از پارک‌های شهری- پارک بانوان حجاب و پارک مختلط ملت (مشهد). مطالعات زنان، ۴۳-۷۶.
- دلورس، ماریا. (۱۳۹۲). بازسازی محله با مطالبات زنانه، ترجمه نسیم گل‌کو، نشریه زن نگار، شماره ۱۲.
- رفعت‌جاه، مریم. (۱۳۸۵). جنسیت و اوقات فراغت در عرصه‌های عمومی شهری، فصلنامه انسان‌شناسی، شماره ۴، صفحه ۶۱-۷۳.
- رضازاده، راضیه و محمدی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری. نشریه هنرهای زیبا، ۱۰۵-۱۱۴.
- رضایی، مریم. (۱۳۹۱). مطالعه جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی: مطالعه موردی خیابان پاسداران شهر سنندج، اولین همایش ملی علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.
- رفیعیان، مجتبی، رضازاده، راضیه، سیفایی، مهسا و احمدوند، یزدان. (۱۳۸۷). سنجش شاخص‌های مؤثر بر مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از منظر گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) موردپژوهی میدان نبوت تهران. فصلنامه نامه هنر، دانشگاه هنر، ۳۷-۵۴.

سراج زاده، س.، جواهری، ف.، و رحمتی، ا. (۱۳۹۴). پوشش زنان و احساس امنیت در فضاهای عمومی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳۵-۱۵۹.

سیفایی، مهسا، (۱۳۸۴). مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) در برنامه‌ریزی مشارکتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر مجتبی رفیعیان، دانشگاه تربیت مدرس.

صادقی، علیرضا، احمدی، فریال، غفاری سروستانی، نازنین و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۱). تدقیق انگاره‌های حاکم بر حضور زنان مسلمان در عرصه‌های عمومی شهری. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری*، ۷۱-۸۵.

صالحی امیری، رضا. (۱۳۸۸). زنان و توسعه. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

فاضلی، نعمت‌الله، ضیاچی، محدثه. (۱۳۹۳). شهر دوستدار زن شناسایی معیارهای شهر دوستدار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی تهران، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کیینان، درک، (۱۳۷۶). کردها و کردستان، مترجم: ابراهیم یونسی، موسسه انتشارات نگاه، تهران. گلی، علی. (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی شیراز). *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۱۴۳-۱۶۵.

گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز، مترجم: حسن چاوشیان، ناشر: نشر نی. مدنی، بهناز، اذانی، مهری. (۱۳۹۰). بررسی مراکز اوقات فراغت زنان در مناطق ۵ و ۶ اصفهان با استفاده از مدل‌های عوامل استراتژیک و SWOT، *مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*، ۱۰۷-۱۳۰. منصورحسینی، ندا و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). کیفیت‌های محیطی مؤثر بر حیات جمعی زنان در فضاهای عمومی شهری. *همایش ملی معماری و شهرسازی انسان‌گرا (دانشگاه آزاد اسلامی قزوین)*. قزوین

نقدی، اسدالله، دارابی، سارا. (۱۳۹۳). دسترسی زنان به فضاهای شهری (مطالعه موردی: زنان شهر ایلام)، *زن در فرهنگ و هنر*، ۴۶۱-۴۷۰.

نورانی، سمیه، نورانی، فرید، پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۱). شهر دوستدار زنان مطالعه موردی: مرکز شهر اردبیل، *فصلنامه آمایش محیط*، ۱۶۵-۱۸۱.

نوری، احسان و وهبی، توفیق. (۱۳۹۴)، *گردها: تحقیقی در ریشه‌های نژادی، تاریخی و ادیان، انتشارات شفيعی، چاپ اول، تهران.*

هاشمیان فر، سیدعلی، حسین‌آبادی، مهدی و شهبا. (۱۳۹۲). اثرات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی فضاهای شهری بر زنان (مورد مطالعه: مجموعه شهربانو در منطقه ۱۱ تهران). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۵۱-۱۸۰.

Ahmadi, Mohammad; Kaldi, Alireza. (2012). Study of the Feeling of Social Security of Women in Sanandaj City and Social Factors affecting on it. Quarterly Journal of Woman and Society. 1-19. (In Persian)

Carmona, Matthew, Heath, Tim, Oc, Taner, Tiesdell, Steve. (2005). Public Places, Urban Space. Architectural Press, Elsevier. . (In Persian)

Churchman, Arza. Kallus, Rachel. (1999). Safe Urban Environment: Women's and Security in Urban Public Spaces. Haifa, Center for Urban and Regional Studies, Faculty of Architecture and Town Planning, Technion.

Day, Kristen. (2000). The ethic of care and women's experiences of public space, journal of environment psychology, Volume 20, Issue 2, June 2000, 103-124. . (In Persian)

Delours, Maria. (2013). Reconstruction of the neighborhood with women's demands, translates by Nassim Golkou, ZanNegar, No. 12.

Drek, Keenan. (1997). Kurds and Kurdistan, Translated bu Ebrahim Yunesi, Negah publication. . (In Persian)

Fazeli, Nematolah & Ziachi, Mohadeseh. (2014). Exploration of Woman-Friendly City Indicators in the Views of Women from Different Social Statuses and Types in Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, 55-85. . (In Persian)

Garcia-Ramon, Maria Dolores, Ortiz, Anna, Prats, Maria. (2004). "Urban planning, gender and the use of public space in a peripherial neighbourhood of Barcelona". Cities, 213 (215-223).

Grodach, Carl. (2011). Cultural institutions: The role of urban design, Companion to Urban Design, USA and Canada :Routledge, 432-445.,

Gurian, Elaine Heumann. (2006). Civilizing the Museum: The Collected Writings of Elaine Heumann Gurian, London: Routledge.

Giddens, Anthony. (2017). The Sociology, translated by Hassan Chavoshian. Ney publication.

Goli, Ali. Women and Safety in Public Urban Space: Case study of AZADI Park, Shiraz. JHS 2012; 3 (2) :143-164. . (In Persian)

Habib, Farah. (2010). Urban space, platform for social interaction, Culture Architecture Quarterly. No. 24. . (In Persian)

Habib, Farah & Hosseini nia, Mahdie. (2012). An analysis on the concept of urban culture and its effect on the attraction of cultural tourists. HoviatShahr. . (In Persian)

HajiAhmadiHamedani, Azin; Majedi, Hamid & Jahansahlou, La'la. (2015). Evaluation criteria affecting the activity of women in urban areas, Case study: 20th Golestan Dist, poonak, Tehran, Urban Studies Quarterly, 47-60. . (In Persian)

Hashemianfar, Seyyed Ali; Hossein Abadi, Mehdi & Shahba, Moha,ad Javad. (2013). The effects and social and cultural consequences of urban spaces on women (case study: Shahrbanu complex in the 11th district of Tehran). Urban sociological studies, 151-180. . (In Persian)

- Hosseini, Seyyed Hadi & Samieepur, Davoud. (2015). Comparative Analysis of Satisfaction of Women from Urban Parks: Hejab Womens' Park and Mellat Motley Park (Mashhad), Social psychological studies of women, 43-76. . (In Persian)
- Izadi, Malihe; Mohamadi, Jamal; Taheri, Zahra & Shirkhani, Hosniye. (2016). Utility Analysis of Urban Public Spaces from the Perspective of Women Case Study: District No. 4 of Isfahan. Geography and Development. 127-144. . (In Persian)
- Larrere, Catherine (2011), Jean-Jacques Rousseau on women and citizenship, History of European ideas, 37, p218-35.
- Madani, Behnaz & Azani, Mehry. (2011). Evaluation of wemans recreation centers in 5th and 6th Isfahan regions using the SWOT models and strategic factors, Spatial Planning, 107-130. . (In Persian)
- Mansour Hosseini, Neda & Soltanzade, Hossein. (2013). Environmental qualities affecting the collective life of women in urban public spaces. National Conference on Architecture and Humanistic Urbanism (Islamic Azad University of Qazvin) (In Persian)
- Naghdi, Asadollah & Darabi, Sara. (2014). Women's access to urban spaces (Case study: women in Ilam), Woman in culture and art, 461-470. (In Persian)
- Nourani, Somayeh; Nourani, Farid * Pourmohamadi, Mohamadreza. (2012). A woman-friendly city (case study: Ardabil city center), Environmental-based Territorial Planning (JETP), 165-181. (In Persian)
- Nouri, Ehsan; Vahbi, Tofigh. (2015). The Kurds: A Study in Racial, Historical and Religious Roots, Shafiei publication. (In Persian)
- Partovi, Parvin. (2012). Working group of women and urban public spaces, The first scientific and research conference on women and urban life, Tehran. (In Persian)
- Paul, Tanusree. (2011). Space, gender and fear of crime: some explorations from Kolkata, gender, Technology and Development, no3, 411-435. (In Persian)
- Poormohammadi, Mohammad Reza; Khezrnezhad, Pakhshan; Ahmadi, Pulad & Jahanbin, Reza. (2015). A survey of the adaptation of Urmia Urban Public Spaces to the needs of women, Women in development and politics, 23-40. (In Persian)
- RafatJah, Maryam. (2006). Gender and leisure time in urban public areas, Anthropology Quarterly, 61-73. (In Persian)
- Rafieeian, Mojtaba; Rezazade, Razieh; Sifaei, Mahsa & Ahmadvand, Yazdan. (2008). Examining the Utility and Usability of Urban Public Spaces for Special Social Groups (Females): A Participatory Planning Approach (A Case Study: Nabovvat Square, Tehran), Journal of Architecture and Urban Planning, 37-54. (In Persian)
- Rezaei, Maryam. (2012). Sociological study of women's sense of security in public spaces: a case study of Pasdaran Street in Sanandaj, the first national scientific and research conference on women and urban life. (In Persian)
- Rezazadeh, Razieh & Mohammadi, Maryam. (2009). An investigation on the factors limiting women's presence in urban space, HonarHayeZiba, 105-114. (In Persian)
- Sadeghi, Alireza; Ahmadi, Feryal; Ghafari Sarvestani, Nazanin & Rafeian, Mojtaba. (2012). Scrutiny of the concepts governing the presence of Muslim women in urban public arenas (case example: Shiraz city), Urban Studies Quarterly, 71-85. (In Persian)
- Salehi Amiri, Reza. (2009). Women and development. Tehran: Strategic Research Center of Expediency Council. (In Persian)
- Seraj Zade, SeyyedHossein; Javaheri, Fatemeh & Rahmati, Elham. (2015). Covering of women and feeling safe in public spaces, Journal of Social Studies of Iran, 135-159. (In Persian)

- Sifaei, Mahsa. (2005). Assessing the desirability of urban public spaces for the use of special social groups (women) in participatory planning, MA thesis, Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Tabani, Habibollah. (1952). Kurdish ethnic unity and the origin of the race in the history of Kurdistan civilization, Gostarde publication. (In Persian)
- Tohadi, Kalimolaah. (1991). Kurdish historical movement to Khorasan in defense of Iran's independence. Vase' publication, Mashhad, first volume. (In Persian)